

شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های مؤثر در ارتقاء همگرایی اقوام ایرانی در عصر جهانی شدن

محمد رحیم عبوسی^۱، فرزانه دشتی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۲۵

چکیده

تقویت همگرایی و انسجام ملی، یکی از مقوله‌های اساسی هر حکومتی است. امروزه جهانی شدن با جریان آزاد اطلاعات و گسترش روزافزون فن‌آوری‌ها، ارتباطات و تغییر در تعاملات و مناسبات از سطح خرد تا کلان، چالش‌ها و فرصت‌هایی را در مقابل جامعه جهانی ایجاد نموده است. تکثرگرایی محور اصلی درک و تحلیل آمیختگی ناشی از جهانی شدن شناخته شده و سرنوشت مختوم آن است. در حوزه قومیت‌ها، همچون سایر حوزه‌ها، روند جهانی شدن می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر جای گذارد و در هر حال موجبات تغییر را فراهم نماید و آن چه مهم به نظر می‌رسد، بازاندیشی و بازنگری در سیاست‌گذاری در قبال قومیت‌هاست. در این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و به صورت کاربردی پس از انجام مطالعات نظری تلاش شده است عوامل مرتبط و مؤثر بر سطح ارتقاء همگرایی اقوام در سه مؤلفه‌ی سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی، شناسایی و در ادامه با مشاوره با برخی افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با موضوع و اخذ نظرات ایشان، پرسشنامه‌ای جهت اخذ نظرات جامعه آماری تنظیم گردید. این پرسشنامه در جامعه آماری ۲۱۴ نفری و حجم نمونه ۶۶ نفر توزیع شده و پس از اخذ نظر آنان با استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های آماری، تجزیه و تحلیل شده و در ادامه به جمع‌بندی و پیشنهادات پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، همگرایی، تنوع قومی، امنیت، ایران.

^۱ - استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

^۲ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و مدرس دانشگاه پیام نور واحد آبادان،

مقدمه

ایران از جمله کشورهای کثیرالاقوام با تنوع فرهنگی و زبانی است. تنوع، ویژگی اجتماع انسانی است. در میان اجتماعات امروزی بشر نمی‌توان اجتماعی را یافت که افراد آن از همه جهت با هم همانند باشند. امروزه نه امکان از میان بردن تنوع و یکدست‌سازی اجتماعات انسانی وجود دارد و نه چنین امری ضرورت دارد. بنابراین تنوع به عنوان امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر اجتماعات انسانی در عصر کنونی مورد پذیرش است (قیصری، ۱۳۸۶). هویت ملی، وحدت ملی، همگرایی و واگرایی بین اقوام از موضوعات مهمی هستند که حکومت‌ها در کشورهای پلی‌اتنیک یا کثیرالاقوام^۱ با آن مواجه‌اند. موقعیت سیاسی کم نظیر ایران در این است که پاره فرهنگ‌های قومی آن، در حاشیه کشور قرار دارند و با اقوام متناظر خود در سیستم‌های پیرامونی مرزها، مجاورت دارند، به ویژه آن که بین برخی از آن اقوام با کشورهای متبوع چالش‌هایی نیز وجود دارد. این موضوع بالاخص از حیث تحولات اخیر در گفت‌وگوهای بین‌المللی مبنی بر انتقال از تأکید بر حق حاکمیت دولت‌ها در دوره پس از جنگ جهانی و توجه به حقوق بشر و از جمله حقوق قومیت‌ها در سال‌های اخیر برای ایران به لحاظ راهبرد امنیت ملی از اهمیت بسزایی برخوردار است. موقعیت جغرافیایی اقوام، معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است. اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند و این حوزه‌ها در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد (احمدی و الوند، ۱۳۹۱). بنابراین در شرایط کنونی جهان، با توجه به رشد فرایندهای جهانی شدن و امکانات ارتباطی گسترده میان مردم که فارغ از مرزهای سیاسی صورت می‌گیرد و نیز با توجه به رشد آگاهی‌های قومی و ناسیونالیسم‌های قومی در سراسر جهان، می‌توان گفت طرح قدیمی ملت‌سازی که ادغام همه گروه‌های قومی را در یک ملت یکپارچه را دربرمی‌گرفت دچار چالش می‌شود. در ایران نیز ناکارآمدی این طرح در اشکال گوناگونی طی چندین نسل آشکار شده است (سیدامامی، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

اهمیت این تحقیق بدان جهت است که همواره انسجام، همبستگی ملی و تداوم ثبات در جوامع از مهم‌ترین دغدغه‌های متفکران علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان بوده و هست. در کشوری نظیر ایران که در شمار کشورهای کثیرالقوم محسوب می‌شود، این مسأله اهمیت دو چندان می‌یابد، خصوصاً که این اقوام در مناطق مرزی کشور واقع شده‌اند و به لحاظ استراتژیکی از اهمیت شایانی برخوردار است. به ویژه در استان خوزستان که بخش عمده منابع نفتی و گازی کشور در این استان واقع شده و هرگونه واگرایی قومی می‌تواند سبب صدمات جبران‌ناپذیری به وحدت و انسجام کشور وارد نماید و امنیت ملی را به مخاطره

¹ - poly-ethnic

اندازد. بنابراین معرفت و شناخت نسبت به بسترها و مؤلفه‌های مؤثر بر همگرایی در ایران دارای اهمیت علمی، ملی، کاربردی و مقوم انسجام و وحدت ملی، و گامی اساسی و نهادینه در راه موفقیت اهداف نظام اجتماعی و سیاسی است. نگرش و شناخت علمی به این مؤلفه‌ها می‌تواند مدیریت سیاسی را آسان‌تر نموده و به عبارتی سیاستگذاری مدبرانه و کارآمد نظام را نتیجه‌بخش‌تر نماید.

در این پژوهش به دنبال این موضوع خواهیم بود که چگونه می‌توان بهره‌برداری حداکثری از فرصت تنوع قومی و تکثر فرهنگی در ایران نمود. از آن جا که دولت‌ها نقش مؤثری در تحدید منازعات قومی دارند، به نظر می‌رسد تنها با مدیریت سیاسی کارآمد و سیاست‌گذاری مدبرانه است که می‌توان در جهت احقاق حقوق و برآوردن مطالبات اقوام ایرانی عمل نمود. نگاهی فرصت‌محور به تکثر فرهنگی جامعه ایرانی و بکارگیری الگویی تلفیقی متضمن همگرایی و تقویت امنیت پایدار در کشور خواهد بود. بنابراین، مهم‌ترین هدف از این پژوهش شناسایی شاخص‌ها و عوامل مؤثر در سطح ارتقا همگرایی در شرایط کنونی است که می‌تواند در جهت دستیابی به نگرش علمی به مسئله فوق به سبب حفظ و تأمین امنیت ملی کشور ما بسیار راهگشا باشد. به همین جهت شناسایی و شناخت علمی متغیرهای ارتقاء همگرایی قومی به سبب بکارگیری سیاست قومی صحیح در این راستا از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. لذا سؤال تحقیق حاضر این است که «در عصر جهانی شدن عوامل مؤثر در ارتقا همگرایی اقوام ایرانی کدامند؟».

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه تحقیق

یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه قومیت، همگرایی و امنیت پایدار، پژوهشی است که حمید احمدی با عنوان: «بررسی نقش اقوام ایرانی در امنیت پایدار» انجام داده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱-۲۰). این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و اسنادی صورت پذیرفته است. محقق در این پژوهش به هر دو روی سکه قومیت، یعنی توجه به مسأله قومیت و اقوام ایرانی، هم به عنوان فرصت و هم به عنوان چالش در تأمین امنیت پایدار، عنایت داشته است. احمدی سعی نموده است که راهکارهایی را نیز برای تقویت نقش مثبت اقوام ایرانی در تأمین امنیت ملی و شناخت علل و عوامل تبدیل شدن مسأله اقوام به چالش عرضه کند. نهایتاً پژوهشگر به این نتیجه رسیده است که حضور اقوام ایرانی به عنوان فرصت و نه چالش در صورتی عملی است که به هر دو صورت سخت افزاری و نرم افزاری امنیت، یعنی امنیت پایدار، توجه شود.

پژوهش دیگر، مقاله حمیدرضا اخوان و همکاران با عنوان: «بررسی راه‌های همگرایی قومیتی با تأکید بر اقوام ترک و کرد در شهرستان ماکو» است (اخوان و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۱۵-۳۹۹). روش تحقیق این پژوهش از نوع توصیفی زمینه‌یاب (پیمایشی) بوده و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و با طیف لیکرت داده‌های لازم را از تعداد ۳۸۲ نفر به روش تصادفی طبقه‌ای گردآوری کرده است. نتایج تحلیل داده‌های این تحقیق نشان داد که پنج متغیر: ۱. تأکید بر اشتراکات دینی؛ ۲. تأکید بر موارث فرهنگی و پیشینه تاریخی مشترک؛ ۳. توجه به عمران، آبادی و توسعه مناطق قوم نشین و کاهش محرومیت‌ها در آن؛ ۴. توسعه اجتماعی؛ و ۵. ارتقای سطح ارتباطات اجتماعی در ارتقاء سطح همگرایی اقوام تأثیر مثبت داشته است.

رسول افضلی و برزین ضرغامی پژوهشی تحت عنوان «تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران» و با روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام داده‌اند (افضلی و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۹۰-۷۷). در این تحقیق محرز شده است که با وجود فرض عموم، تعدد قومیتی در ایران، بالقوه منشاء تهدید و تزلزل انسجام ملی و همگرایی ملی نیست؛ زیرا تعدد قومیتی در ایران نه تنها تضعیف‌کننده امنیت ملی نیست بلکه با تکیه بر عناصر پایدار همگرایی قومی، تعدد قومیتی قوام‌بخش و تداوم‌دهنده هویت ملی ایرانی است.

همچنین در پژوهش‌های دیگری به صورت پراکنده به عوامل و متغیرهای مؤثر بر همگرایی و واگرایی اقوام اشاره شده است (امراه‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۱-۴۶؛ جلیلود، ۱۳۸۸: ۲۹۷-۲۷۵). بر طبق نتایج این تحقیقات متغیرهای مؤثر عبارت‌اند از: احوال شخصی از جمله سن و جنس و تحصیلات (سرمایه فرهنگی) و نوع اشتغال و نیز عواملی مثل تأثیر دو پهلوی نخبگان سیاسی، نقش و تأثیر رسانه، احساس وجود تبعیض، محرومیت و تحقیر و همچنین عوامل برون‌مرزی مانند تحولات قومی کشورهای همجوار و نیز عوامل اجتماعی از قبیل زوال تدریجی ساختار سستی و قبیله‌ای.

مبانی نظری

پژوهش حاضر با رویکردی آینده‌پژوهانه سعی در ارائه راهکارهایی برای بهره‌برداری مطلوب‌تر از فرصت تنوع و تکتگرایی قومی در ایران می‌باشد. این موضوع ناظر بر شناسایی عوامل اصلی و مؤثر در مسأله واگرایی یا تسریع روند همگرایی و هم‌افزایی در میان اقوام ایرانی است. در رابطه با گرایش‌های قومی و سیاسی شدن آن نمی‌توان با نظریه‌ای واحد همه مسائل قومی را در تمامی کشورها تشریح نمود و نیز نیازمند یک تحلیل چندعلی به جای تحلیل تک‌بعدی هستیم که در آن همه عوامل سیاسی، اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته باشند. کروگر و آگوا^۱، شش مؤلفه زبان غیر مشترک، قوم‌گرایی بالا، تبار غیرمشترک، تحریک‌های کشورهای همجوار، انزوای سیاسی و اجتماعی و محرومیت نسبی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی را به منزله عوامل واگرایی قومیت در جریان ملت‌سازی شناسایی نموده‌اند. اسکات و دیویس^۲ در حوزه مدیریتی اقوام، عوامل گوناگونی را مانع دستیابی به اجماع و اتفاق نظر عمومی می‌دانند. از نظر آن‌ها شیوع تبعیض و نابرابری، یکی از مخرب‌ترین و مهم‌ترین عوامل است. به این ترتیب تشکیل ملت به جای ایجاد هم‌نیروزی، نوعی نیروی دافعه و هم‌نیروگاهی را به نظام اجتماعی تحمیل می‌کند (اسکات و دیویس، ۲۰۰۷: ۱۰۱؛ به نقل از سعدآبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

به نظر رابرت تدگر^۳، «محرومیت نسبی» به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلاف میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود (کوهن، ۱۳۸۱: ۲۷۲ به نقل از لهستانی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۱). به نظر وی، اساساً هویت قومی زمانی اهمیت می‌یابد که با افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقاتشان به آن گروه، رفتاری تبعیض‌آمیز در مقایسه با گروه‌های دیگر صورت می‌پذیرد؛ یعنی یک گروه قومی، به دلیل قومیت خود در معرض سرکوب، آزار یا محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار می‌گیرند (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

تأکید بر ساختارهای اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان متغیرهای تبیینی که در آثار والرش‌تاین و مایکل هشتر منعکس است؛ کثرت‌گرایی فرهنگی به عنوان یک متغیر اصلی مطرح شده در اثر جوزف فورنیوال و ام. جی. اسمیت؛ رقابت بر سر منابع که در آثار ناتان گلیرز و دانیل موینیان، فردریک بارت و سوزان اولزاکبه آن اشاره شده است؛ نظریه رقابت نخبگان، منعکس در آثار آنتونی اسمیت، جوزف روتشلید و به ویژه پل براس و سرانجام، نظریه انتخاب حساب‌گرانه که در آثار جدیدتر مایکل هشتر و مایکل بانتون بر آن تأکید شده است (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۵۴ و جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۵).

بنابراین، موضوع قومیت‌ها در ایران، تنها با تکیه بر یک متغیر قابل تبیین نیست؛ بر این اساس، در این پژوهش با عنایت به متغیرهای داخلی و خارجی به ارائه راهکار و پیشنهاد پرداخته شده که شرح مبسوط آن در ادامه خواهد آمد.

¹ - Kruger & Agva

² - Scott & Davis

³ - Robert Tedder

مفاهیم

۱. **جهانی شدن:** جهانی شدن^۱ یک فرآیند است، به این معنا که دربرگیرنده یک روایت ثابت و تغییرناپذیر نیست بلکه در درون آن روایت‌ها و پروژه‌های متفاوتی در حال شکل‌گیری است. از این جهت جهانی شدن هر چند گریزناپذیر است اما یک نقطه شروع و یک پایان حتمی و از پیش تعیین شده ندارد (لطیفی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

۲. **قوم/ قومیت:** مفهوم قومیت اشاره به ویژگی‌های فرهنگی‌ای دارد که ممکن است از یک نسل، از طریق فرآیند جامعه‌پذیری، به نسل بعد منتقل شده باشد. این ویژگی‌ها ممکن است زبان، مذهب، منشأ ملی، عادات غذایی، مفهوم مشترکی از میراث تاریخی و سایر ویژگی‌های بارز فرهنگی را شامل شود (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۲۴۵). لذا، از نظر جامعه‌شناسی، یک گروه قومی عبارت از مردمی است با ویژگی‌های خاص دینی، نژادی، جغرافیایی و با عادات و رسوم مخصوص که در داخل یک مجموعه اجتماعی- فرهنگی گسترده جای یافته‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳۳). وبر احساس مشترک قومی را مبتنی بر چهار عامل می‌داند: (۱) خاطرات سیاسی مشترک؛ (۲) پیوند آیینی که در زمان حیات گروه قومی به فعلیت درآمده است؛ (۳) پیوندهای خویشاوندی قومی و نیرومند؛ (۴) مناسبات دیگری که به نوعی وفاق و وجوه مشترک بینجامد (وبر^۲، ۱۹۹۶: ۳۵).

۳. **هویت قومی:** یکی از انواع هویت جمعی است که به ویژگی‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می‌کند و بین اعضای یک قوم یک احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آنها را منسجم می‌کند. هویت قومی در سطحی پایین‌تر از هویت ملی یا جامعه‌ای قرار دارد (احمدلو، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

۴. **همگرایی ملی:** انسجام ملی عبارت است از: «احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع و آن مای بزرگی که به افراد هویت جمعی می‌دهد و ناظر بر انسجام درونی یک جامعه است» (غرایاق زندگی، ۱۳۸۲: ۱۷۱).

۵. **امنیت عمومی:** امنیت عمومی دربرگیرنده امنیت تمامی افراد و انسان‌هایی است که در یک کشور و در یک مرز جغرافیایی خاص زندگی می‌کنند و دارای بخش و زیربخش‌های گوناگونی است. البته در بسیاری از موارد، متفکران و اندیشمندان در بحث از امنیت عمومی، آن را با امنیت داخلی یکسان فرض کرده و بیشتر سعی در توصیف مصادیق آن می‌کنند و در این مرحله از

¹ - globalization

² weber

تعریف نیز گاهی معنای امنیت عمومی بر بعد داخلی امنیت ملی حمل می‌گردد و آن هم قرابت خاصی با امنیت اجتماعی می‌یابد (کلهر، ۱۳۸۸: ۷۴). استقرار امنیت عمومی در یک جامعه نیازمند ساختاری است که در آن حداقل عناصری چون عدالت، تأمین و رفاه اجتماعی، اشتغال، آزادی و حاکمیت مردم و مشارکت کامل آن‌ها، توزیع دانایی و اطلاعات در جامعه، فقدان اختلال اجتماعی، استفاده از نیروی فرهیختگان و دانایان، سازگاری اجتماعی و غیره وجود داشته باشد (نونزاد، ۱۳۷۷: ۷۵).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای است. این پژوهش بر اساس چگونگی به دست آوردن داده‌های مورد نیاز و از جهت روش انجام آن، در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی می‌باشد. همچنین روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، روش کتابخانه‌ای-اسنادی و روش مطالعات میدانی (پیمایشی) است. در روش کتابخانه‌ای، نویسندگان از منابع متعدد گردآوری اطلاعات شامل کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و نیز پایگاه اینترنت و نمایه با استفاده از روش فیش-برداری و بررسی اسناد و مدارک علمی موجود در کتابخانه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با حوزه تحقیق، استفاده نموده و اطلاعات مورد لزوم را جمع‌آوری کرده‌اند.

پرسشنامه تحقیق نیز شامل ۱۰۱ عامل در سه مؤلفه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی در قالب نقاط قوت و ضعف، فرصت و تهدید تنظیم شده است. در طراحی پرسشنامه نیز با بهره‌گیری از مطالعات نظری و با استفاده از نظر صاحب‌نظران و اساتید محترم، عوامل بالقوه مرتبط با موضوع شناسایی و ابتدا پرسشنامه مقدماتی با ۱۰۹ سؤال و شش سؤال باز تنظیم و طراحی و در جامعه آماری مدنظر توزیع گردید و پس از تعیین روایی و پایایی آن، پرسشنامه نهایی تهیه شد تا ضمن مطالعه دقیق و علمی، اساتید نظر خویش را درباره میزان تأثیر عوامل در سه مؤلفه پیش‌بینی شده در یکی از گزینه‌های پنج‌گانه که بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای طیف لیکرت طراحی شده است، [خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم و فاقد اهمیت] مشخص نمایند و لذا در قسمت اول پرسشنامه، فراوانی پاسخ‌های داده شده از سوی پاسخگویان به هر یک از این گزینه‌ها آورده شده است. قسمت دوم جدول نیز شامل درصد فراوانی نسبی پاسخ‌های داده شده از سوی پاسخگویان به هر یک از این گزینه‌ها می‌باشد و در قسمت سوم جدول نیز بر حسب کدگذاری صورت گرفته (به ترتیب برای گزینه خیلی زیاد ارزش عددی ۹، برای گزینه زیاد ارزش عددی ۶، برای گزینه کم ارزش عددی ۳، برای گزینه خیلی کم ارزش عددی ۱ و برای گزینه فاقد اهمیت ارزش عددی

صفر در نظر گرفته شده است) میانگین پاسخ‌های داده شده محاسبه و در جدول گنجانده شده است.

در تعیین روایی پرسشنامه، از روش اعتبار محتوا استفاده گردید و به منظور تعیین پایایی آزمون، با کمک نرم‌افزار SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار آلفای کلی به دست آمده ۰/۹۷۸ می‌باشد، که نشان دهنده آن است که پرسشنامه تحقیق، از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر از پایایی لازم برخوردار است. در ادامه محققان پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها و استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری نسبت به شناسایی و تعیین عوامل مؤثر در ارتقاء همگرایی در عصر جهانی شدن اقدام نموده‌اند.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این تحقیق از میان خبرگان، صاحب‌نظران و فعالان در حوزه مسائل قومی کشور می‌باشند که شامل مجلس، استانداری‌ها، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاه‌ها و مجموعه‌های مرتبط در استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، کرمانشاه و آذربایجان شرقی (قومیت‌های ترک، کرد، عرب و بلوچ) جامعه آماری به تعداد ۲۱۴ نفر برآورد شده و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۶۶ نفر می‌باشد. ویژگی‌های خبرگان و صاحب‌نظران در جامعه آماری عبارت‌اند از: مدرک تحصیلی حداقل دانشجوی دکتری، تجربه کاری و مدیریتی و فعالیت‌های پژوهشی در حوزه مدنظر. این پژوهش از نظر جهت‌گیری، بنیادی و بر مبنای اهداف، اکتشافی است. ماهیت پژوهش نیز کمی - کیفی می‌باشد و در ضمن در این تحقیق برای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱-۱- بررسی تأثیر عوامل مؤلفه سیاسی و امنیتی بر همگرایی اقوام ایرانی

جدول ۱: نتایج آزمون‌های T یک نمونه‌ای مربوط به بررسی میزان تأثیر عوامل مؤلفه سیاسی و امنیتی بر

همگرایی اقوام ایرانی

ردیف	عوامل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار آماره T	سطح معنی‌دار (Sig)
	مؤلفه سیاسی و امنیتی	۶۶	۵/۵۳	۱/۵۲	۰/۱۸۸	۵/۴۸۴	۰/۰۰۰
۱	انسجام و یکپارچگی در سیستم تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کشور	۶۶	۶/۱۴	۲/۶۰	۰/۳۲۰	۵/۱۱۱	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	۶/۸۴۸	۰/۳۰۵	۲/۴۸۱	۶/۵۹	۶۶	الگوی مردم‌سالاری دینی	۲
۰/۰۰۰	۹/۱۸۳	۰/۳۰۲	۲/۴۵	۷/۲۷	۶۶	استقلال و حاکمیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران	۳
۰/۰۰۰	۵/۵۵۴	۰/۳۰۶	۲/۴۸	۶/۲۰	۶۶	گفتمان انقلاب اسلامی؛ دولت اسلامی و تاثیر آموزه‌های دینی در پشتیبانی از نظام	۴
۰/۰۰۰	۴/۸۵۷	۰/۳۰۶	۲/۴۸۴	۵/۹۸	۶۶	رضایتمندی از نظام سیاسی کشور	۵
۰/۲۶۶	۱/۱۲۱	۰/۲۹۷	۲/۴۱	۴/۸۳	۶۶	اقتدار و خوداتکایی دفاعی - امنیتی ایران	۶
۰/۰۰۴	۳/۰۱۸	۰/۲۸۶	۲/۳۲۵	۵/۳۶	۶۶	اثرگذاری گفتمان سیاسی ایران در مقاومت لبنان و فلسطین و جریان بیداری اسلامی	۷
۰/۰۰۵	۲/۸۹۵	۰/۳۳۰	۲/۶۷	۵/۴۵	۶۶	ضعف در فرایند تربیت نخبگان سیاسی مانند تحزب و عدم توجه به نقش نهادهای مدنی در سیاستگذاری‌ها و برنامه ریزی‌های سیاسی	۸
۰/۰۰۵	۲/۸۹۴	۰/۳۰۴	۲/۴۶	۵/۳۸	۶۶	ضعف در فرهنگ سیاسی مدنی و مشارکتی در کشور	۹
۰/۰۳۰	۲/۲۲۱	۰/۳۹۶	۳/۲۱	۵/۳۸	۶۶	ضعف در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی اقوام	۱۰
۰/۰۰۱	۳/۵۴۲	۰/۳۳۸	۲/۷۴۵	۵/۷۰	۶۶	عدم تمرکززدایی از سیاست و نگرش استعلایی به سیاست در مقایسه با سایر حوزه‌ها	۱۱
۰/۰۰۰	۳/۷۹۸	۰/۲۸۳	۲/۳۰	۵/۵۸	۶۶	فقدان چرخش نخبگان سیاسی در کشور	۱۲
۰/۰۲۲	۲/۳۴۶	۰/۳۹۴	۳/۲۰۱	۵/۴۲	۶۶	عدم بهره‌گیری از نخبگان و عقلای قومی در مدیریت‌های اجرایی	۱۳
۰/۰۴۵	۲/۰۴۵	۰/۴۰۸	۳/۳۱۱	۵/۳۳	۶۶	ضعف در اصلاح دیوانسالاری و انفکاک ساختاری و تمایز کارکردی	۱۴
۰/۰۰۰	۳/۸۷۳	۰/۲۹۳	۲/۳۸	۵/۶۴	۶۶	لزوم تغییر نگرش سیاسی و امنیتی و جایگزینی راهبردهای نرم امنیتی	۱۵
۰/۰۱۵	۲/۵۰۲	۰/۳۰۹	۲/۵۰۹	۵/۲۷	۶۶	اصلاح مبانی نظری متناسب و همگام با شرایط جهانی و فقدان سیاست منسجم و مدون با آن	۱۶
۰/۰۰۰	۷/۰۵۵	۰/۲۷۹	۲/۲۶۸	۶/۴۷	۶۶	عدم اتخاذ سیاست‌های قومی مناسب و برآورده ساختن تقاضاهای معقول و قابل انجام قومی	۱۷
۰/۰۰۱	۳/۵۰۲	۰/۲۹۰	۲/۳۵۵	۵/۵۲	۶۶	عدم وجود راهبرد ملی مناسب در ارتباط با غرب	۱۸
۰/۰۰۵	۲/۸۷۹	۰/۳۷۹	۳/۰۷۸	۵/۵۹	۶۶	ارتقا رشد آگاهی‌های سیاسی اقشار مردم	۱۹
۰/۰۰۷	۲/۷۹۸	۰/۲۶۵	۲/۱۵	۵/۲۴	۶۶	اعتمادسازی بین‌المللی در سطح ملت‌ها	۲۰
۰/۳۱۰	۱/۰۲۳	۰/۳۵۵	۲/۸۸۷	۴/۸۶	۶۶	توان اثرگذاری نظامی - امنیتی در منطقه	۲۱
۰/۲۱۹	۱/۲۴۲	۰/۳۴۲	۲/۷۷۵	۴/۹۲	۶۶	پیدایش موج بیداری اسلامی و فعال‌سازی جنبش‌های مردمی در منطقه و جهان	۲۲
۰/۰۴۳	۲/۰۶۳	۰/۳۰۱	۲/۴۴۶	۵/۱۲	۶۶	فعالیت و حضور مؤثر در ساز و کارهای بین-المللی	۲۳
۰/۰۲۹	۲/۲۲۸	۰/۳۶۷	۲/۹۸	۵/۳۲	۶۶	مشارکت جدی و ایفای نقش مؤثر در تحولات	۲۴

						منطقه‌ای	
۰/۰۰۱	۳/۴۲۹	۰/۳۸۴	۳/۱۲۳	۵/۸۲	۶۶	تداوم تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و سایر کشورها	۲۵
۰/۰۷۸	۱/۷۹۰	۰/۳۷۲	۳/۰۲۶	۵/۱۷	۶۶	همکاری و همگرایی با کشورهای معمولی، مستضعف و اسلامی	۲۶
۰/۰۰۳	۳/۰۸۲	۰/۲۶۵	۲/۱۵۷	۵/۳۲	۶۶	بهره‌برداری سیاسی از ابزارهای فرهنگی و اقتصادی در عرصه جهانی	۲۷
۰/۰۰۴	۲/۹۵۰	۰/۳۸۰	۳/۰۸۷	۵/۶۲	۶۶	احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی در میان اقوام	۲۸
۰/۰۸۴	۱/۷۵۵	۰/۳۱۹	۲/۵۹۵	۵/۰۶	۶۶	تلاش بیگانگان برای کاهش مشارکت و ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت	۲۹
۰/۰۴۹	۲/۰۰۲	۰/۳۵۶	۲/۸۹۰	۵/۲۱	۶۶	ایجاد تفرقه و تحریک اقوام مستقر در نزدیکی مرزهای کشور	۳۰
۰/۰۰۱	۳/۵۱۳	۰/۳۲۸	۲/۶۶۳	۵/۶۵	۶۶	بی‌ثباتی در منطقه و تشدید واگرایی و اختلافات منطقه‌ای	۳۱
۰/۰۷۵	۱/۸۰۸	۰/۳۳۵	۲/۷۲۴	۵/۱۱	۶۶	افزایش فعالیت‌های سرویس‌های اطلاعاتی بیگانگان	۳۲
۰/۰۲۹	۲/۲۳۴	۰/۳۸۰	۳/۰۸۶	۵/۳۵	۶۶	افزایش روزافزون قدرت تهاجم عملیات روانی رسانه‌های بیگانگان	۳۳
۰/۰۱۵	۲/۴۸۹	۰/۲۸۶	۲/۳۲۴	۵/۲۱	۶۶	بهره‌گیری ابرقدرت‌ها از روش‌ها و شیوه‌های قدرت نرم	۳۴

- با توجه به سطوح معنی‌داری به دست آمده از آزمون T تک نمونه‌ای می‌توان گفت:
۱. عوامل «اقتدار و خوداتکایی دفاعی - امنیتی ایران»، «توان اثرگذاری نظامی - امنیتی در منطقه»، «پیدایش موج بیداری اسلامی و فعال‌سازی جنبش‌های مردمی در منطقه و جهان»، «همکاری و همگرایی با کشورهای معمولی، مستضعف و اسلامی»، «تلاش بیگانگان برای کاهش مشارکت و ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت» و «افزایش فعالیت‌های سرویس‌های اطلاعاتی بیگانگان» اثر معنی‌داری از نظر پاسخگویان در این مطالعه بر همگرایی اقوام ایرانی ندارند.
 ۲. با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت سایر عوامل، اثر معنی‌داری بر همگرایی اقوام ایرانی دارند.

۱-۲- اولویت‌بندی عوامل مختلف سیاسی و امنیتی بر همگرایی اقوام ایرانی

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن جهت مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف سیاسی بر همگرایی اقوام

ایرانی

سطح معنی‌دار (Sig.)	درجه آزادی	مقدار آماره خی دو	تعداد نمونه	مقایسه تأثیر عوامل مختلف سیاسی و امنیتی
۰/۰۰۰	۳۳	۹۷/۲۸۲	۶۶	

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون فریدمن ($\text{Sig} = 0/000$) که کوچک‌تر از سطح آزمون ($\alpha = 0/05$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود که بر اساس میانگین‌های به دست آمده می‌توان عوامل مختلف سیاسی و امنیتی را از نظر میزان تأثیر آنها بر همگرایی اقوام ایرانی، به صورت جدول زیر اولویت‌بندی نمود.

جدول ۳: اولویت‌بندی عوامل مختلف سیاسی و امنیتی از نظر میزان تأثیر آنها بر همگرایی اقوام ایرانی، با توجه

به میانگین‌های به دست آمده

اولویت	عوامل	میانگین (از ۹ نمره)
۱	استقلال و حاکمیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران	۷/۲۷
۲	الگوی مردم‌سالاری دینی	۶/۵۹
۳	عدم اتخاذ سیاست‌های قومی مناسب و برآورده ساختن تقاضاهای معقول و قابل انجام قومی	۶/۴۷
۴	گفتمان انقلاب اسلامی؛ دولت اسلامی و تأثیر آموزه‌های دینی در پشتیبانی از نظام	۶/۲۰
۵	انسجام و یکپارچگی در سیستم تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کشور	۶/۱۴
۶	رضایتمندی از نظام سیاسی کشور	۵/۹۸
۷	تداوم تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و سایر کشورها	۵/۸۲
۸	عدم تمرکززدایی از سیاست و نگرش استعلاایی به سیاست در مقایسه با سایر حوزه‌ها	۵/۷۰
۹	بی‌ثباتی در منطقه و تشدید واگرایی و اختلافات منطقه‌ای	۵/۶۵
۱۰	لزوم تغییر نگرش سیاسی و امنیتی و جایگزینی راهبردهای نرم امنیتی	۵/۶۴
۱۱	احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی در میان اقوام	۵/۶۲
۱۲	ارتقاء رشد آگاهی‌های سیاسی اقشار مردم	۵/۵۹
۱۳	فقدان چرخش نخبگان سیاسی در کشور	۵/۵۸
۱۴	عدم وجود راهبرد ملی مناسب در ارتباط با غرب	۵/۵۲
۱۵	ضعف در فرایند تربیت نخبگان سیاسی مانند حزب و عدم توجه به نقش نهادهای مدنی در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های سیاسی	۵/۴۵
۱۶	عدم بهره‌گیری از نخبگان قومی و عقلای قومی در مدیریت‌های اجرایی	۵/۴۲
۱۷	ضعف در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی اقوام	۵/۳۸
۱۸	ضعف در فرهنگ سیاسی مدنی و مشارکتی در کشور	۵/۳۸

۵/۳۶	اثرگذاری گفتمان سیاسی ایران در مقاومت لبنان و فلسطین و جریان بیداری اسلامی	۱۹
۵/۳۵	افزایش روزافزون قدرت تهاجم عملیات روانی رسانه‌های بیگانگان	۲۰
۵/۳۳	ضعف در اصلاح دیوان‌سالاری و انفکاک ساختاری و تمایز کارکردی	۲۱
۵/۳۲	بهره‌برداری سیاسی از ابزارهای فرهنگی و اقتصادی در عرصه جهانی	۲۲
۵/۳۲	مشارکت جدی و ایفای نقش مؤثر در تحولات منطقه‌ای	۲۳
۵/۲۷	اصلاح مبانی نظری متناسب و همگام با شرایط جهانی و فقدان سیاست منسجم و مدون با آن	۲۴
۵/۲۴	اعتمادسازی بین‌المللی در سطح ملت‌ها	۲۵
۵/۲۱	ایجاد تفرقه و تحریک اقوام مستقر در نزدیکی مرزهای کشور	۲۶
۵/۲۱	بهره‌گیری ابرقدرت‌ها از روش‌ها و شیوه‌های قدرت نرم	۲۷
۵/۱۷	همکاری و همگرایی با کشورهای معمولی، مستضعف و اسلامی	۲۸
۵/۱۲	فعالیت و حضور مؤثر در ساز و کارهای بین‌المللی	۲۹
۵/۱۱	افزایش فعالیت‌های سرویس‌های اطلاعاتی بیگانگان	۳۰
۵/۰۶	تلاش بیگانگان برای کاهش مشارکت و ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت	۳۱
۴/۹۲	پیدایش موج بیداری اسلامی و فعال‌سازی جنبش‌های مردمی در منطقه و جهان	۳۲
۴/۸۶	توان اثرگذاری نظامی - امنیتی در منطقه	۳۳
۴/۸۳	اقتدار و خوداتکایی دفاعی - امنیتی ایران	۳۴

همانطور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه پاسخگویان عوامل «استقلال و حاکمیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، «الگوی مردم‌سالاری دینی»، «عدم اتخاذ سیاست‌های قومی مناسب و برآورده ساختن تقاضاهای معقول و قابل انجام قومی»، «گفتمان انقلاب اسلامی؛ دولت اسلامی و تأثیر آموزه‌های دینی در پشتیبانی از نظام» و «انسجام و یکپارچگی در سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور»، «عدم تمرکززدایی از سیاست و نگرش استعلایی به سیاست در مقایسه با سایر حوزه‌ها»، «تداوم تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و سایر کشورها» بیشترین تأثیر را بر همگرایی اقوام ایرانی داشته، و عوامل «افزایش فعالیت‌های سرویس‌های اطلاعاتی بیگانگان»، «تلاش بیگانگان برای کاهش مشارکت و ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت»، «پیدایش موج بیداری اسلامی و فعال‌سازی جنبش‌های مردمی در منطقه و جهان»، «توان اثرگذاری نظامی - امنیتی در منطقه» و «اقتدار و خوداتکایی دفاعی - امنیتی ایران» نیز به ترتیب، کمترین تأثیر را در این زمینه داشته‌اند.

۲-۱- بررسی تأثیر عوامل مؤلفه اقتصادی در همگرایی اقوام ایرانی

جدول ۴: نتایج آزمون‌های T یک‌نمونه‌ای مربوط به بررسی میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی بر همگرایی اقوام

ایرانی

ردیف	عوامل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار آماره T	سطح معنی‌دار (Sig.)
	مؤلفه اقتصادی						
۱	وجود ذخائر بالای انرژی و منابع طبیعی	۶۶	۵/۳۵	۳/۰۸۶	۰/۳۸۰	۲/۲۳۴	۰/۰۲۹
۲	وسعت سرزمینی و تنوع اقلیمی و جغرافیایی ایران	۶۶	۵/۱۴	۲/۵۴۷	۰/۳۱۴	۲/۰۳۰	۰/۰۴۷
۳	نیروی انسانی مستعد و جوان	۶۶	۴/۷۹	۲/۳۰۴	۰/۲۸۴	۱/۰۱۵	۰/۳۱۴
۴	سند چشم انداز بیست ساله و سیاست‌های کلان آن	۶۶	۶/۹۸	۲/۶۶۹	۰/۳۲۹	۷/۵۶۴	۰/۰۰۰
۵	تسهیل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تصویب قانون آن	۶۶	۵/۲۶	۲/۸۳۰	۰/۳۴۸	۲/۱۷۵	۰/۰۳۳
۶	فعال‌سازی سیاست‌های کلان اصل ۴۴ و تصویب قانون آن	۶۶	۵/۲۹	۳/۰۳۲	۰/۳۷۳	۲/۱۱۱	۰/۰۳۹
۷	تمرکز مراکز صنعتی و تولیدی و زیرساخت‌های عمده اقتصادی در برخی استان‌ها	۶۶	۵/۳۶	۲/۳۲۵	۰/۲۸۶	۳/۰۱۸	۰/۰۰۴
۸	عدم وجود ثبات اقتصادی و مهار شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، نرخ بهره‌وری پایین و ...	۶۶	۵/۳۰	۳/۲۵۸	۰/۴۰۱	۲/۰۰۲	۰/۰۴۹
۹	توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های اقتصاد نوین و عدم تسهیل مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور	۶۶	۵/۷۷	۳/۰۹۷	۰/۳۸۱	۳/۳۳۸	۰/۰۰۱
۱۰	عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری در کشور	۶۶	۵/۳۸	۲/۴۶۷	۰/۳۰۴	۲/۸۹۴	۰/۰۰۵
۱۱	سلطه و تصدی‌گری دولت بر اقتصاد کشور	۶۶	۵/۵۸	۳/۱۰۴	۰/۳۸۲	۲/۸۱۶	۰/۰۰۶
۱۲	ضعف و ناتوانی در تولید ملی	۶۶	۵/۶۴	۲/۶۴۱	۰/۳۲۵	۳/۴۹۶	۰/۰۰۱
۱۳	تقسیم ناعادلانه فرصت‌های مدیریتی و سهم نابرابر مناطق محروم و مرزی در کشور	۶۶	۵/۴۱	۳/۱۳۸	۰/۳۸۶	۲/۳۵۴	۰/۰۲۲
۱۴	عدم بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های موجود در مناطق محروم و مرزی کشور	۶۶	۵/۳۳	۲/۱۸۶	۰/۲۶۹	۳/۰۹۷	۰/۰۰۳
۱۵	بازارهای گسترده داخلی و منطقه‌ای	۶۶	۵/۲۹	۲/۹۷۰	۰/۳۶۶	۲/۱۵۵	۰/۰۳۵
۱۶	موقعیت ژئواکونومیک ایران	۶۶	۶/۴۲	۲/۳۰۸	۰/۲۸۴	۶/۷۷۴	۰/۰۰۰
۱۷	وجود جاذبه‌های توریستی، رونق و توسعه صنعت گردشگری	۶۶	۵/۲۰	۲/۷۰۲	۰/۳۳۳	۲/۰۹۶	۰/۰۴۰

۰/۰۰۰	۳/۷۰۱	۰/۲۷۸	۲/۲۶۲	۵/۵۳	۶۶	ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف در ایران	۱۸
۰/۳۸۴	۰/۸۷۶	۰/۲۷۷	۲/۲۴۸	۴/۷۴	۶۶	میل به توسعه و پیشرفت در زمینه‌های گوناگون	۱۹
۰/۰۳۲	۲/۱۸۸	۰/۳۳۹	۲/۷۵۷	۵/۲۴	۶۶	تحریم‌های اقتصادی	۲۰
۰/۳۷۹	۰/۸۸۶	۰/۳۲۵	۲/۶۴۰	۴/۷۹	۶۶	جهانی‌سازی اقتصاد و تبعات آن	۲۱
۰/۵۵۶	۰/۵۹۱	۰/۲۸۲	۲/۲۸۹	۴/۶۴	۶۶	افزایش مهاجرت و تبعات آن	۲۲
۰/۰۳۰	۲/۲۲۵	۰/۳۰۰	۲/۴۳۴	۵/۱۷	۶۶	افزایش فقر و ناامیدی در مناطق مرزی کشور	۲۳
۰/۰۵۵	۱/۹۵۱	۰/۳۳۴	۲/۸۱۳	۵/۱۵	۶۶	جاذبه‌های اقتصادی در کشورهای همسایه	۲۴
۰/۰۱۴	۲/۵۱۸	۰/۳۷۹	۳/۰۷۹	۵/۴۵	۶۶	توسعه نامتوازن و شکاف بالای اقتصادی در کشور	۲۵
۰/۳۰۷	۱/۰۳۱	۰/۳۳۸	۲/۷۴۷	۴/۸۵	۶۶	افزایش فقر و ناامیدی در کشورهای منطقه و همسایگان	۲۶
۰/۰۳۳	۲/۱۸۲	۰/۲۲۹	۲/۴۲۶	۵/۱۵	۶۶	وجود سیاست‌های مخالف با سرمایه‌گذاری خارجی	۲۷

با توجه به سطوح معنی‌داری به دست آمده از آزمون T تک‌نمونه‌ای می‌توان گفت:

۱- عوامل «نیروی انسانی مستعد و جوان»، «میل به توسعه و پیشرفت در زمینه‌های گوناگون»، «جهانی‌سازی اقتصاد و تبعات آن»، «افزایش مهاجرت و تبعات آن»، «جاذبه‌های اقتصادی در کشورهای همسایه» و «افزایش فقر و ناامیدی در کشورهای منطقه و همسایگان» اثر معنی‌داری بر همگرایی اقوام ایرانی ندارند.

۲- با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت ما بقی عوامل مولفه اقتصادی، اثر معنی‌داری بر همگرایی اقوام ایرانی دارند.

۲-۲- اولویت‌بندی عوامل مختلف اقتصادی از نظر میزان تأثیر بر همگرایی اقوام ایرانی

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن جهت مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف اقتصادی بر همگرایی

اقوام ایرانی

سطح معنی‌دار (Sig.)	درجه آزادی	مقدار آماره خی دو	تعداد نمونه	
۰/۰۰۰	۲۶	۶۸/۲۳۵	۶۶	مقایسه تأثیر عوامل مختلف اقتصادی

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون فریدمن ($\text{Sig} = ۰/۰۰۹$) که کوچک‌تر از سطح آزمون ($\alpha = ۰/۰۵$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود که بر اساس میانگین‌های به دست آمده

می‌توان عوامل مختلف اقتصادی را از نظر میزان تأثیر آن‌ها بر همگرایی اقوام ایرانی، به صورت جدول زیر اولویت‌بندی نمود.

جدول ۶: اولویت‌بندی عوامل مختلف اقتصادی از نظر میزان تأثیر آن‌ها بر همگرایی اقوام ایرانی، با توجه به

میانگین‌های به دست آمده

اولویت	عوامل	میانگین (از ۹ نمره)
۱	سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلان آن	۶/۹۸
۲	موقعیت ژئواکونومیک ایران	۶/۲۲
۳	توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های اقتصاد نوین و عدم تسهیل مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور	۵/۷۷
۴	ضعف و ناتوانی در تولید ملی	۵/۶۴
۵	سلطه و تصدی‌گری دولت بر اقتصاد کشور	۵/۵۸
۶	ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف در ایران	۵/۵۳
۷	توسعه نامتوازن و شکاف بالای اقتصادی در کشور	۵/۴۵
۸	تقسیم ناعادلانه فرصت‌های مدیریتی و سهم نابرابر مناطق محروم و مرزی در کشور	۵/۴۱
۹	عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری در کشور	۵/۳۸
۱۰	تمرکز مراکز صنعتی و تولیدی و زیرساخت‌های عمده اقتصادی در برخی استان‌ها	۵/۳۶
۱۱	وجود ذخائر بالای انرژی و منابع طبیعی	۵/۳۵
۱۲	عدم بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های موجود در مناطق محروم و مرزی کشور	۵/۳۳
۱۳	عدم وجود ثبات اقتصادی و مهار شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، نرخ بهره‌وری پایین و ...	۵/۳۰
۱۴	بازارهای گسترده داخلی و منطقه‌ای	۵/۲۹
۱۵	فعال‌سازی سیاست‌های کلان اصل ۴۴ و تصویب قانون آن	۵/۲۹
۱۶	تسهیل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تصویب قانون آن	۵/۲۶
۱۷	تحریم‌های اقتصادی	۵/۲۴
۱۸	وجود جاذبه‌های توریستی، رونق و توسعه صنعت گردشگری	۵/۲۰
۱۹	افزایش فقر و ناامیدی در مناطق مرزی کشور	۵/۱۷
۲۰	جاذبه‌های اقتصادی در کشورهای همسایه	۵/۱۵
۲۱	وجود سیاست‌های مخالف با سرمایه‌گذاری خارجی	۵/۱۵
۲۲	وسعت سرزمینی و تنوع اقلیمی و جغرافیایی ایران	۵/۱۴
۲۳	افزایش فقر و ناامیدی در کشورهای منطقه و همسایگان	۴/۸۵
۲۴	جهانی‌سازی اقتصاد و تبعات آن	۴/۷۹
۲۵	نیروی انسانی مستعد و جوان	۴/۷۹
۲۶	میل به توسعه و پیشرفت در زمینه‌های گوناگون	۴/۷۴
۲۷	افزایش مهاجرت و تبعات آن	۴/۶۴

همانطور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه پاسخگویان عوامل «سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلان آن»، «موقعیت ژئواکونومیک ایران»، «توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های اقتصاد نوین

و عدم تسهیل مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی کشور»، «ضعف و ناتوانی در تولید ملی»، «سلطه و تصدی‌گری دولت بر اقتصاد کشور»، «ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف در ایران» و «توسعه نامتوازن و شکاف بالای اقتصادی در کشور» به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر همگرایی اقوام ایرانی داشته، و عوامل «افزایش فقر و ناامیدی در کشورهای منطقه و همسایگان»، «جهانی‌سازی اقتصاد و تبعات آن»، «نیروی انسانی مستعد و جوان»، «میل به توسعه و پیشرفت در زمینه‌های گوناگون» و «افزایش مهاجرت و تبعات آن» نیز به ترتیب، کمترین تأثیر را در این زمینه داشته‌اند.

۳-۱- بررسی تأثیر عوامل مؤلفه فرهنگی و اجتماعی بر همگرایی اقوام ایرانی

جدول ۷: نتایج آزمون‌های T یک‌نمونه‌ای مربوط به بررسی میزان تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی بر

همگرایی اقوام ایرانی

ردیف	عوامل	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار آماره T	سطح معنی‌دار (Sig.)
	مؤلفه فرهنگی و اجتماعی	۶۶	۵/۴۳	۱/۴۹۴	۱/۸۳۹	۵/۰۶۲	۰/۰۰۰
۱	وحدت و انسجام ملی (هویت ایرانی و اسلامی)	۶۶	۶/۹۵	۲/۷۲۶	۰/۳۳۵	۷/۳۱۶	۰/۰۰۰
۲	ظرفیت‌های دینی و ملی غنی در تمدن ایرانی اسلامی	۶۶	۵/۸۶	۲/۵۸۳	۰/۳۱۸	۴/۲۸۸	۰/۰۰۰
۳	وجود ذخایر و مفاخر علمی، فرهنگی و ادبی ایران	۶۶	۴/۷۴	۲/۸۶۳	۰/۳۵۲	۰/۶۸۸	۰/۴۹۴
۴	اصالت تنوع قومی و فرهنگی در کشور	۶۶	۶/۲۰	۲/۵۳۷	۰/۳۱۲	۵/۴۳۴	۰/۰۰۰
۵	غناي فرهنگ، زبان و ادب فارسی	۶۶	۵/۲۹	۲/۷۴۴	۰/۳۳۸	۲/۳۳۲	۰/۰۲۳
۶	آمیختگی تمدن چند هزار ساله ایرانی با فرهنگ اسلامی	۶۶	۵/۳۸	۲/۴۶۷	۰/۳۰۴	۲/۸۹۴	۰/۰۰۵
۷	موقعیت مناسب گردشگری و جهانگردی در ایران	۶۶	۵/۴۵	۳/۰۷۹	۰/۳۷۹	۲/۵۱۸	۰/۰۱۴
۸	اعتماد اجتماعی	۶۶	۶/۳۹	۲/۳۶۶	۰/۲۹۱	۶/۵۰۴	۰/۰۰۰
۹	کم‌توجهی و کمبود اعتبارات و امکانات آموزشی مناسب در مناطق محروم و مرزی کشور	۶۶	۵/۴۲	۲/۶۱۴	۰/۳۲۲	۲/۸۷۳	۰/۰۰۵
۱۰	در دسترس نبودن مطبوعات و روزنامه‌های محلی در مناطق مرزی کشور	۶۶	۵/۱۴	۲/۵۴۷	۰/۳۱۴	۲/۰۳۰	۰/۰۴۷
۱۱	ضعف در نهادهای روایتگر هویت‌ساز کشور	۶۶	۵/۴۷	۲/۳۷۴	۰/۲۹۲	۳/۳۱۸	۰/۰۰۱
۱۲	عدم مدیریت صحیح خرده فرهنگ‌های معارض	۶۶	۵/۱۴	۲/۳۴۰	۰/۲۸۸	۲/۲۱۰	۰/۰۳۱
۱۳	ضعف در تحقق مطلوب عدالت و برابری اجتماعی	۶۶	۵/۶۵	۳/۱۲۶	۰/۳۸۵	۲/۹۹۳	۰/۰۰۴

۰/۰۲۰	۲/۳۸۷	۰/۳۷۵	۳/۰۴۳	۵/۳۹	۶۶	عدم توجه کافی به مدیریت واقع‌بینانه در حوزه-های فرهنگی و اجتماعی	۱۴
۰/۰۳۴	۲/۱۶۷	۰/۳۹۹	۳/۲۳۷	۵/۳۶	۶۶	ضعف در سیستم قانون‌گرایی، قانون‌پذیری و مسئولیت‌پذیری	۱۵
۰/۰۰۶	۲/۱۱۶	۰/۳۸۲	۳/۱۰۴	۵/۵۸	۶۶	مهندسی فرهنگی در جامعه اطلاعاتی و ضعف در سیاستگذاری فرهنگی مناسب و همگام با زمانه و شرایط قومی در کشور	۱۶
۰/۰۰۶	۰/۸۵۸	۰/۲۹۲	۲/۳۶۹	۵/۳۳	۶۶	ضعف در حفظ و توسعه ارزش‌های بنیادین جامعه	۱۷
۰/۰۲۹	۲/۲۳۴	۰/۳۸۰	۳/۰۸۶	۵/۳۵	۶۶	نا توانی نهادهای جامعه‌پذیر در انتقال مبانی هویت ایرانی و اسلامی (دینی و ملی)	۱۸
۰/۷۱۲	۰/۳۷۱	۰/۲۸۶	۲/۳۲۰	۴/۶۱	۶۶	عدم وجود تناسب در آمایش جمعیتی ایران	۱۹
۰/۰۰۰	۶/۰۶۶	۰/۳۱۰	۲/۵۱۶	۶/۳۸	۶۶	ولایت و امامت و مرجعیت	۲۰
۰/۰۰۱	۳/۳۶۵	۰/۳۰۲	۲/۴۵۱	۵/۵۲	۶۶	موقعیت ویژه اسلام و تشیع در منطقه و جهان	۲۱
۰/۰۴۱	۲/۰۹۰	۰/۳۰۵	۲/۴۷۴	۵/۱۴	۶۶	گستره حوزه تمدنی ایران اسلامی	۲۲
۰/۰۰۵	۲/۹۰۵	۰/۲۷۱	۲/۲۰۳	۵/۲۹	۶۶	ظرفیت بالای هویت‌سازی فرهنگ و ادب فارسی	۲۳
۰/۰۲۲	۲/۳۴۲	۰/۲۳۹	۱/۹۴۴	۵/۰۶	۶۶	تبادل و تعامل فرهنگی با سایر ملل	۲۴
۰/۰۰۱	۳/۵۰۶	۰/۲۸۱	۲/۲۸۲	۵/۴۸	۶۶	وجود ظرفیت‌های غنی هویت ایرانی اسلامی برای جهانی شدن	۲۵
۰/۰۲۸	۲/۲۴۷	۰/۳۲۴	۲/۶۳۰	۵/۲۳	۶۶	وجود منابع و امکانات اعتباری و ساختاری حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی	۲۶
۰/۰۰۷	۲/۱۷۹۰	۰/۲۹۹	۲/۴۲۶	۵/۳۳	۶۶	توسعه ارتباطات و گسترش رسانه‌های جمعی	۲۷
۰/۰۰۶	۲/۸۵۱	۰/۳۱۴	۲/۵۴۷	۵/۳۹	۶۶	افزایش سطح تحصیلات و سواد عمومی در کشور	۲۸
۰/۰۰۱	۳/۳۵۰	۰/۳۳۰	۲/۶۸۳	۵/۶۱	۶۶	نمادها و آیین‌های مذهبی و ملی (عاشورا، نوروز و غیره)	۲۹
۰/۰۰۱	۳/۳۸۲	۰/۲۶۹	۲/۱۸۴	۵/۴۱	۶۶	الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی	۳۰
۰/۶۰۵	۰/۵۲۰	۰/۳۵۰	۲/۸۴۰	۴/۶۸	۶۶	ترویج فرهنگ مقاومت اسلامی در منطقه و جهان	۳۱
۰/۰۰۴	۲/۹۹۹	۰/۳۴۴	۲/۷۹۱	۵/۵۳	۶۶	جوامع مجازی قومی	۳۲
۰/۰۵۶	۱/۹۴۲	۰/۳۵۹	۲/۹۱۵	۵/۲۰	۶۶	گسترش شبکه‌های مجازی و هویت ایرانی	۳۳
۰/۰۳۷	۲/۱۳۱	۰/۳۸۴	۳/۱۱۹	۵/۳۲	۶۶	تهدیدات نرم	۳۴
۰/۰۰۷	۲/۸۰۷	۰/۲۷۵	۲/۲۳	۵/۲۷	۶۶	استقرار اقوام در مناطق مرزی کشور	۳۵
۰/۰۰۰	۳/۶۸۵	۰/۲۹۶	۲/۴۰۵	۵/۵۹	۶۶	حمایت سلطه خارجی از تجزیه طلبی قومی و بحران‌های هویتی در ایران	۳۶
۰/۰۳۱	۲/۲۰۳	۰/۳۶۴	۲/۹۶۱	۵/۳۰	۶۶	تشدید اختلافات و آگرایی دینی	۳۷
۰/۰۸۳	۱/۷۶۲	۰/۳۷۰	۳/۰۰۴	۵/۱۵	۶۶	تغییر الگو و سبک زندگی ایرانی اسلامی و افزایش تمایل به تجمل‌گرایی در خانواده‌های ایران	۳۸

۰/۴۸۰	۰/۷۱۰	۰/۲۷۷	۲/۲۵۳	۴/۷۰	۶۶	تاثیرپذیری سریع جوانان از الگوهای فرهنگی غربی	۳۹
۰/۰۰۰	۴/۳۶۳	۰/۳۳۳	۲/۷۰۹	۵/۵۹	۶۶	تهاجم فرهنگی، زمینه‌ها و بسترهای اشاعه فرهنگ بیگانه	۴۰

با توجه به سطوح معنی‌داری به دست آمده از آزمون T تک‌نمونه‌ای می‌توان گفت:

- ۱- عوامل «وجود ذخایر و مفاخر علمی، فرهنگی و ادبی ایران»، «عدم وجود تناسب در آمایش جمعیتی ایران»، «ترویج فرهنگ مقاومت اسلامی در منطقه و جهان»، و «تأثیرپذیری سریع جوانان از الگوهای فرهنگی غربی» اثر معنی‌داری بر همگرایی اقوام ایرانی ندارند.
- ۲- با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت دیگر عوامل مؤلفه علم و فناوری، اثر معنی‌داری بر همگرایی اقوام ایرانی دارند.

۲-۳- اولویت‌بندی عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی از نظر میزان تأثیر بر همگرایی اقوام ایرانی

جدول ۸: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن جهت مقایسه میزان تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی بر

همگرایی اقوام ایرانی

سطح معنی‌دار (Sig.)	درجه آزادی	مقدار آماره خی دو	تعداد نمونه	مقایسه تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی
۰/۰۰۰	۳۹	۹۱/۶۰۲	۶۶	

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون فریدمن ($\text{Sig.} = ۰/۰۰۰$) که کوچک‌تر از سطح آزمون ($\alpha = ۰/۰۵$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود که بر اساس میانگین‌های به دست آمده می‌توان عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی را از نظر میزان تأثیر آن‌ها بر همگرایی اقوام ایرانی، به صورت جدول شماره ۹ اولویت‌بندی نمود.

جدول ۹: اولویت‌بندی عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی از نظر میزان تأثیر آن‌ها بر همگرایی اقوام ایرانی، با

توجه به میانگین‌های به دست آمده

اولویت	عوامل	میانگین (از ۹ نمره)
۱	وحدت و انسجام ملی (هویت ایرانی و اسلامی)	۶/۹۵
۲	اعتماد اجتماعی	۶/۳۹

۶/۳۸	ولایت و امامت و مرجعیت	۳
۶/۲۰	اصالت تنوع قومی و فرهنگی در کشور	۴
۵/۸۶	ظرفیت‌های دینی و ملی غنی در تمدن ایرانی اسلامی	۵
۵/۶۵	ضعف در تحقق مطلوب عدالت و برابری اجتماعی	۶
۵/۶۱	نمادها و آیین‌های مذهبی و ملی (عاشورا، نوروز و غیره)	۷
۵/۵۹	تهاجم فرهنگی، زمینه‌ها و بسترهای اشاعه فرهنگ بیگانه	۸
۵/۵۹	حمایت سلطه‌ی خارجی از تجزیه طلبی قومی و بحران‌های هویتی در ایران	۹
۵/۵۸	مهندسی فرهنگی در جامعه اطلاعاتی و ضعف در سیاستگذاری فرهنگی مناسب و همگام با زمانه و شرایط قومی در کشور	۱۰
۵/۵۳	جوامع مجازی قومی	۱۱
۵/۴۸	وجود ظرفیت‌های غنی هویت ایرانی اسلامی برای جهانی شدن	۱۲
۵/۵۲	موقعیت ویژه اسلام و تشیع در منطقه و جهان	۱۳
۵/۴۷	ضعف در نهادهای روایتگر هویت ساز کشور	۱۴
۵/۴۵	موقعیت مناسب گردشگری و جهانگردی در ایران	۱۵
۵/۴۲	کم‌توجهی و کمبود اعتبارات و امکانات آموزشی مناسب در مناطق محروم و مرزی کشور	۱۶
۵/۴۱	الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی	۱۷
۵/۳۹	عدم توجه کافی به مدیریت واقع بینانه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی	۱۸
۵/۳۹	افزایش سطح تحصیلات و سواد عمومی در کشور	۱۹
۵/۳۸	آمیختگی تمدن چند هزار ساله ایرانی با فرهنگ اسلامی	۲۰
۵/۳۶	ضعف در سیستم قانون‌گرایی، قانون‌پذیری و مسئولیت‌پذیری	۲۱
۵/۳۵	ناتوانی نهادهای جامعه‌پذیر در انتقال مبانی هویت ایرانی و اسلامی (دینی و ملی)	۲۲
۵/۳۳	توسعه ارتباطات و گسترش رسانه‌های جمعی	۲۳
۵/۳۳	ضعف در حفظ و توسعه ارزش‌های بنیادین جامعه	۲۴
۵/۳۲	تهدیدات نرم	۲۵
۵/۳۰	تشدید اختلافات و واگرایی دینی	۲۶
۵/۲۹	ظرفیت بالای هویت‌سازی فرهنگ و ادب فارسی	۲۷
۵/۲۹	غنای فرهنگ، زبان و ادب فارسی	۲۸
۵/۲۷	استقرار اقوام در مناطق مرزی کشور	۲۹
۵/۲۳	وجود منابع و امکانات اعتباری و ساختاری حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی	۳۰
۵/۲۰	گسترش شبکه‌های مجازی و هویت ایرانی	۳۱
۵/۱۵	تغییر الگو و سبک زندگی ایرانی اسلامی و افزایش تمایل به تجمل‌گرایی در خانواده‌های ایران	۳۲
۵/۱۴	گسترده‌ی حوزه تمدنی ایران اسلامی	۳۳
۵/۱۴	عدم مدیریت صحیح خرده فرهنگ‌های معارض	۳۴
۵/۱۴	در دسترس نبودن مطبوعات و روزنامه‌های محلی در مناطق مرزی کشور	۳۵
۵/۰۶	تبادل و تعامل فرهنگی با سایر ملل	۳۶
۴/۷۴	وجود ذخایر و مفاخر علمی، فرهنگی و ادبی ایران	۳۷
۴/۷۰	تاثیرپذیری سریع جوانان از الگوهای فرهنگی غربی	۳۸

۴/۶۱	عدم وجود تناسب در آمایش جمعیتی ایران	۳۹
۴/۶۸	ترویج فرهنگ مقاومت اسلامی در منطقه و جهان	۴۰

همانطور که ملاحظه می‌شود از دیدگاه پاسخگویان عوامل «وحدت و انسجام ملی (هویت ایرانی و اسلامی)»، «اعتماد اجتماعی»، «اصالت تنوع قومی و فرهنگی در کشور»، «ظرفیت‌های دینی و ملی غنی در تمدن ایرانی اسلامی» و «وجود ظرفیت‌های غنی هویت ایرانی اسلامی و برای جهانی شدن»، به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر همگرایی اقوام ایرانی داشته، و عوامل «مهندسی فرهنگی در جامعه اطلاعاتی و ضعف در سیاستگذاری فرهنگی مناسب و همگام با زمانه و شرایط قومی در کشور»، «وجود ذخایر و مفاخر علمی، فرهنگی و ادبی ایران»، «تأثیرپذیری سریع جوانان از الگوهای فرهنگی غربی»، «عدم وجود تناسب در آمایش جمعیتی ایران» و «ترویج فرهنگ مقاومت اسلامی در منطقه و جهان» نیز به ترتیب، کمترین تأثیر را در این زمینه داشته‌اند.

۴- مقایسه میزان تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر همگرایی اقوام ایرانی

جدول ۱۰: نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن جهت مقایسه میزان تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر همگرایی اقوام

ایرانی

سطح معنی‌دار (Sig.)	درجه آزادی	مقدار آماره خی دو	تعداد نمونه	
۰/۰۳۷	۲	۶/۵۷۶	۶۶	مقایسه تأثیر مؤلفه‌های مختلف

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون فریدمن ($Sig = 0/000$) که کوچک‌تر از سطح آزمون ($\alpha = 0/05$) است، فرض صفر (H_0) رد می‌شود، یعنی بین میزان تأثیر این مؤلفه‌ها بر همگرایی اقوام ایرانی تفاوت‌هایی وجود دارد، و این تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار می‌باشند. جدول ۱۱ میانگین میزان تأثیر این مؤلفه‌ها را بر همگرایی اقوام ایرانی، نشان می‌دهد.

جدول ۱۱: میانگین میزان تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر همگرایی اقوام ایرانی

اولویت	عوامل	میانگین (از ۹ نمره)
۱	مؤلفه سیاسی و امنیتی	۵/۵۳
۲	مؤلفه فرهنگی و اجتماعی	۵/۴۳
۳	مؤلفه اقتصادی	۵/۳۴

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

وحدت و همگرایی ملی یکی از اساسی‌ترین مباحث حیاتی کشورهاست که به سبب آن بقا و دوام آن در طول زمان میسر می‌گردد. ایران از جمله کشورهای کثیرالاقوام است که وجود تنوعات قومی و فرهنگی در آن لزوم سیاست قومی و مدیریت سیاسی کارآمد، مدبرانه و عقلانی را ایجاب می‌نماید. لذا شناسایی عوامل مؤثر در ارتقاء همگرایی و انسجام ملی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در ترسیم و طراحی الگوی مدیریتی اداره اقوام در کشور دارد. همچنین مجموعه‌ای از عوامل در این فرآیند تأثیرگذارند و آن چه که امروز ما به آن نیاز داریم، چگونگی اعمال این عوامل بر اساس اصول علمی در سیاست‌های کلان قومی است. از این رو توجه به اولویت‌بندی‌ها، پرهیز از نگرش تک‌علی و روزآمدی عوامل نقش بسزایی در ارتقاء همبستگی و همگرایی ملی دارد. بنابراین جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از این عوامل و ظرفیت‌ها در تمامی مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند زمینه‌های علمی تنوعات قومی و فرهنگی در جهت تقویت و تداوم همبستگی و همگرایی ملی را فراهم نماید. در این پژوهش عوامل شناسایی شده مرتبط با سطح همگرایی اقوام ایرانی در مؤلفه‌های سه گانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی مؤثر می‌باشند و اولویت‌بندی‌های آنان نیز مشخص گردید. بنابراین با توجه به نتیجه آماری، پس با قاطعیت و بر اساس متغیرهای مؤثر در سطح همگرایی اقوام ایرانی (قومیت‌های ترک، کرد، عرب و بلوچ) و همچنین جهت ارتقاء سطح همگرایی اقوام یاد شده با دولت مرکزی بر اساس آرا خبرگان راهکارهای ذیل بسیار می‌تواند راهگشا باشند:

۱. لزوم بازنگری و تجدیدنظر در سیاست‌گذاری‌های کلان در خصوص اقوام با هدف مشارکت مؤثرتر آنان در ساختار سیاسی کشور؛
۲. سازمان‌دهی و تقویت احزاب و تشکل‌های سیاسی قانونی و شناسنامه‌دار به سبب مشارکت سیاسی مؤثر در جامعه؛
۳. بهره‌گیری صحیح و استفاده بهینه از ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی و اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز بیست ساله؛
۴. بهره‌گیری از توانایی و خلاقیت‌های نخبگان قومی در اداره کشور؛
۵. تقسیم عادلانه‌ی فرصت‌های مدیریتی، کاهش اختلاف شاخص‌های رفاهی بین استان‌های مناطق محروم نسبت به استان‌های برخوردار؛
۶. لزوم توجه بیشتر به عمران و توسعه منطقه‌ای مناطق مرزی و قوم‌نشین؛
۷. تقویت علائق و منافع مشترک و زدایش تصورات قالبی، نبود تعصب، پیش‌داوری و تبعیض فرهنگی؛
۸. ارتقای سطح ارتباطات جهت کاهش فاصله اجتماعی و تقویت پیوندهای اجتماعی بین بخش‌ها و نواحی مختلف کشور؛

۹. تأسیس مجلات، توسعه رسانه‌های جمعی و پوشش شبکه‌های تلویزیونی ایران، تقویت شوراهای محلی، ایجاد و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد خصوصاً در مناطق قوم‌نشین؛
۱۰. تداوم سیاست تنش‌زدایی با همسایگان و سایر کشورهای جهان، خصوصاً با همسایگانی که اقوام مناطق مرزی با آن‌ها دارای پیوندها و اشتراکات نژادی، زبانی و فرهنگی هستند؛
۱۱. گسترش تعاملات، تبادلات فرهنگی و تقویت روابط فرامرزی در سطح منطقه‌ای و جهانی؛
۱۲. مشارکت در فرهنگ جهانی به عنوان یک بازیگر فعال با تکیه بر غنای فرهنگی و تمدن چند هزار ساله؛
۱۳. تأکید بر توانمندی داخلی و استفاده بهینه و بهره‌برداری صحیح از امکانات و منابع در جهت حفظ منافع ملی و صیانت از امنیت ملی؛

سخن آخر این که، با توجه به مباحث نظری و نتایج میدانی برای نهادینه شدن مفاهیم امنیت همگرایی در تعاملات خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران، باید موضوعات امنیتی به معنای موسع در کلیه ارکان، سازمان‌ها و لایه‌های ساختارها، ساز و کارها، نیروهای انسانی مرتبط با مسائل قومی مورد تأکید قرار گیرند تا اسباب ارتقای کارایی در سطوح داخلی و خارجی فراهم آید. همچنین تقویت نقاط قوت و کاهش نقاط ضعف و تهدیدات به گونه‌ای باشد که استقلال و حاکمیت ملی نظام ج.ا.ا را حفظ نماید و در ابعاد عینی موجبات افزایش نفوذ، اثرگذاری و امنیت مقتدارانه کشور را فراهم آورد. لذا با عنایت به مفروضات مذکور، بهره‌گیری از نیروهای مستعد و سیاست‌گذار، ولایت‌مدار، تکیه بر اصول و آموزه‌های دینی و هویت ایرانی-اسلامی می‌تواند تحت مدیریت کارآمد و سلسله‌مراتبی هم‌افزا و منسجم، طراح ساختار و راهبر سامانه‌ای مطلوب برای حوزه مسائل قومی و هم‌افزایی وحدت و همگرایی ملی در جمهوری اسلامی ایران باشند.

با توجه به این که در این پژوهش جهت‌گیری کلی ارتقاء سطح همگرایی در ایران بوده است و در تجزیه و تحلیل آن از نرم‌افزارهای آماری و روش‌های علمی در محاسبات آماری بهره‌گیری شده است، لذا به طراحان راهبردهای عملیاتی در حوزه مسائل قومی و نهادهای تصمیم‌گیری در کشور یا سایر پژوهشگرانی که در آینده تصمیم به تحقیق در این حوزه را دارند پیشنهاد می‌شود که از روش‌ها و نتایج به دست آمده این پژوهش در راستای برنامه‌ریزی و طراحی راهبردهای عملیاتی در خصوص سیاست‌گذاری-های قومی به سبب تقویت همگرایی و انسجام در جمهوری اسلامی استفاده نمایند.

منابع

الف- فارسی

- احمدی، حمید(۱۳۷۸)، «قومیت و قوم‌گرایی در ایران»، تهران: نشر نی.
- احمدی، محمدحسین و الوند، مریم(۱۳۹۱)، «نقش قوم‌گرایی در ناآرامی‌های اجتماعی»، *فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱۵۹-۱۸۲.
- احمدلو، حبیب(۱۳۸۱)، «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۰۹-۱۴۳.
- ارجمندی جوادی، محمدجعفر، حق‌گو، جواد و عظیم‌زاده، جعفر(۱۳۹۲)، «حوزه تمدنی ایران، جهانی شدن و آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، سال دوم، شماره اول، صص ۶۰-۲۹.
- رابرتسون، یان(۱۳۷۴)، «درآمدی بر جامعه»، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ساروخانی، باقر(۱۳۷۰)، «دایرةالمعارف علوم اجتماعی»، تهران: نشر کیهان.
- سعدآبادی، علی اصغر، پورعزت، علی اصغر و عباسی، طیبه (۱۳۹۲)، «شناسایی مؤلفه‌های همبستگی ملی در اقوام ایرانی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۹۸-۱۷۳.
- سیدامامی، کاووس(۱۳۸۵)، «قومیت از منظر سیاست‌های هویت»، *فصلنامه دانش سیاسی*، شماره سوم، صص ۱۶۵-۱۴۳.
- غرایق زندی، داوود (۱۳۸۲)، «در جایگزینی گفت‌وگو فراق ملی به جای امنیت ملی احزاب و قوم‌گرایی»، *فصلنامه راهبرد*، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۶۷-۱۸۲.
- قاسمی، محمدعلی(۱۳۸۱)، «درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در جهان سوم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۳۴-۱۲۳.
- قیصری، نوراله(۱۳۸۶)، «تنوع فرهنگی و وحدت ملی در ایران: الزامات نظری و رهیافتی»، *پژوهشنامه*، شماره ۸، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، صص ۵۱-۸۴.
- کلهر، رضا(۱۳۸۸)، «درآمدی بر امنیت انتظامی»، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- کوهن، آلوین استانفورد(۱۳۸۱)، «تئوری‌های انقلاب»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- لطیفی، غلامرضا و داوودوندی، طاهره(۱۳۸۹)، «تأثیر جهانی شدن بر توسعه اجتماعی با تأکید بر شرایط اجتماعی ایران»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره اول، شماره ۳، صص ۱۷۹-۲۰۲.
- لهسانی‌زاده، عبدالعلی(۱۳۸۸)، «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره ۳۳، صص ۷۰-۴۵.
- نونژاد، مسعود(۱۳۷۷)، «راهی به سوی توسعه پایدار»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال دوازدهم، شماره ۱۲-۱۱، صص ۱۹۱-۱۸۶.

ب- انگلیسی

- Scott, Richard W. Gerald F. Davis (2007). "*Organizations and Organizing: Rational, Natural and Open system Perspectives*", New York, Prentice Hall.
- Weber, Max(1996). "*The Origin of Ethnic Group Ethnicity*", Edited by John Hachinson and Anthony D. Smith, Oxford: Oxford University Press.

